

## واکاوای بحران سوریه از دریچه آتش بس در حلب

جنگ و خونریزی در سوریه همچنان ادامه دارد و در این میان وضعیت حلب در شمال سوریه همه نگاهها را به خود معطوف کرده است.



به گزارش آران نیوز: بحران سوریه همچنان ادامه دارد و به نظر نمی رسد که چه در بُعد سیاسی و چه بُعد نظامی طرفین بتوانند اوضاع را به نفع خود رقم بزنند. اما آنچه در بحران سوریه به ویژه در حال حاضر بیش از هر موضوع دیگری مورد اهتمام ناظران امور قرار گرفته، وضعیت حلب است.

با وجود اینکه نبرد در مناطق دیگر میان ارتش سوریه و همپیمانان آنها با تروریست های جبهه النصره و داعش و گروههای مسلح همپیمان آنها ادامه دارد اما به نظر می رسد که باید از نبرد حلب به عنوان ام المعارک یا نبرد سرنوشت ساز یاد کنیم زیرا تاثیر بسزایی در سرنوشت سوریه دارد. هر یک از طرفین که بتواند در نبرد حلب دست برتر را داشته باشد در واقع موفقیت بزرگی را نصیب خود کرده است.

هم اکنون آتش بس هر چند به طور ظاهری در حلب برقرار است اما این آتش بس از حد همان توافق میان مسکو و واشنگتن فراتر نمی رود زیرا حملات تروریست ها به غیرنظامیان ادامه دارد و آنها با بهره گیری از موقعیت کنونی که دست ارتش سوریه را برای بهره گیری از عنصر فائقه یعنی نیروی هوایی می بندد به یورش های خود ادامه می دهند.

در نهم ماه مه جان کری وزیر خارجه آمریکا و سرگئی لاوروف همتای روسی اش بیانیه مشترکی با هدف نجات آتش بس در حال شکست انجام دادند تا روند مذاکرات ژنو را احیا کنند. اما این کافی نیست زیرا اوضاع سوریه بغرنج تر از این حرفهاست که آتش بس کاغذی بتواند نجات بخش و فیصله دهنده به بحران آن باشد.

همواره یکی از خواسته های گروه های مسلح مورد حمایت غرب و آمریکا آتش بس بوده است و اینکه به مناطقی که تحت محاصره ارتش سوریه هستند کمک رسانی شود اما این خواسته تروریست ها با نیت شوم همراه بوده است زیرا آنها زمانی که حملات هوایی رهایی یافتند دست به تحرکات در حلب زدند و برخی مناطق را به کنترل خود درآوردند. بحث کمک رسانی به مناطق تحت محاصره نیز با هدف نجات تروریست هایی که امکان تحرک ندارند و گرنه گروه های مسلح جز به براندازی نظام سوریه فکر نمی کنند و همه هدفشان به قدرت رسیدن است.

بیانیه ای که روسها و آمریکایی ها درباره آن توافق کردند این بود که همپیمانان آمریکایی ها و همان طرف هایی که واشنگتن از آنها به عنوان میانه رو یاد می کند هیچ کمکی به جبهه النصره و داعش نکنند و با آنها همراه نشوند و امدادرسانی برای تروریستها قطع شود.

این التزام آمریکایی ها بود اما عملا همپیمانان آمریکا این اصل را رعایت نکردند و همسویی گسترده ای با تروریست های جبهه النصره داشتند. از سوی دیگر روسها التزام دادند که نظام سوریه از نیروی هوایی در مناطقی که گروههای مسلح مشمول آتش بس قرار دارند استفاده نکنند. در این موضوع نیز یک عامل فائقه از دست ارتش سوریه خارج شد و در واقع فرصتی به این گروهها برای تحرکات داده شد.

این روند به نفع ارتش سوریه و همپیمانان آن نبود زیرا گروههایی مانند جیش الاسلام و احرار الشام به شکل لفظی خود را تابع آتش بس می دانند و در عمل با جبهه النصره همسویی دارند. این وضعیت نوعی نارضایتی در میان نظام سوریه و همپیمانان آنها ایجاد می کند.

از سویی مشاهده می کنیم که محور ضد نظام سوریه از ترکیه گرفته تا برخی کشورهای عرب منطقه و رژیم صهیونیستی همگی حامی جبهه النصره هستند هر چند که همگی از جمله رجب طیب اردوغان مدعی جنگ با داعش و جبهه النصره هستند.

در واقع نکته ای که بارز و عیان است همگرایی گروههایی که از آنها به عنوان میانه رو یاد می شود با جبهه النصره است. این گروهها و به ویژه ستون فقرات آن یعنی جیش الاسلام و احرار الشام همگرایی خاصی با تروریست ها به ویژه جبهه النصره دارند و اینکه بتوان خط فاصله خاصی کشید و مشخص کرد که گروههای میانه رو و تروریست ها هر یک مسیر جداگانه ای دارند فرض محالی است.

آتش بسی که در حلب برقرار است بسیار شکننده است زیرا شرایط به گونه ای است که اجازه موفقیت آن را نمی دهد. آنچه روسها و آمریکایی متعهد شده اند که در زمینه حفظ آتش بس عمل کنند سخت و دشوار است زیرا جبهه النصره و جیش الفتح به تحرکات خود ادامه می دهند و داعش نیز در جبهه های دیگر حرکت می کنند.

اما به طور مختصر بخواهیم وضعیت دو قدرت یعنی آمریکا و روسیه را سوریه بررسی کنیم باید بگوییم که آمریکایی ها از ابتدا سیاست مهار بحران و اداره آن را برگزیده اند. واشنگتن هنوز به معارضان اسد اطمینان و باوری ندارد و در توان آنها برای اینکه بتوانند سوریه را در برابر تروریست ها امن کنند شک دارد.

دوم اینکه آمریکایی به همپیمانان منطقه ای اعتماد کرده اند که بخشی از آنها نه تنها بخشی از حل مشکل نیستند بلکه خود مشکل آفرین هستند و به تروریست ها همه نوع کمک فکری و مالی می کنند و تغذیه کننده آنها و تامین کننده نیازهای

تسلیماتی و مالی آنها هستند. در واقع برخی از این همپیمانان معبر اصلی عبور و مرور تروریست ها به سوریه و عراق هستند. نکته سوم اینکه دولت آمریکا در دوره باراک اوباما میلی به شرکت در جنگ جدید ندارد و در این مدت بر این موضوع اصرار ویژه ای کرده و تاکنون نیز در جنگ سومی پس از افغانستان و عراق شرکت نکرده است. نکته چهارم درباره آمریکا این است که آنها در قرن بیست و یکم اولویت آنها خاورمیانه و سوریه نیست و اولویت های استراتژیک آنها پاسفیک و آسیا است. اما درباره سوریه باید گفت که روسها از ابتدای بحران کوشیدند که از نظام سوریه حمایت کنند و هنگامی که نظام سوریه شرایط سختی پیدا کرد به یاری آن شتافتند. در پایان می توان گفت که با توجه به روند اوضاع نمی توان انتظار داشت که بحران سوریه از راه نظامی حل و فصل شود زیرا هیچ یک از طرفهای درگیر نمی توانند پیروز شوند.

منبع: مهر